

## تاریخ پزشکی در دوران ساسانیان

آخرین پادشاه اشکانی به نام اردوان چهارم در نبردی که با اردشیر (240 – 226 میلادی) فرزند بابک نمود، شکست خورد و ایران در دست اردشیر که سر سلسله پادشاهان ساسانی است افتاد (226 میلادی)، بدین گونه وی پادشاه ایران زمین و جانشین اشکانیان و هخامنشیان شد.

بنیانگذار ساسانیان اردشیر بابکان و شاپور اول و دوم و انوشیروان بیش از دیگر پادشاهان ساسانی در گردآوری و برگرداندن نسکهای دینی و دانشی تلاش کردند. شاپور در زنده کردن زبان باستانی و نسکها و آیین اوستا برآمد و نسکهای پزشکی و ستاره‌شناسی و جغرافیا و هنر که از ایران به هند و یونان رفته بود را گرد آوری کرد و آنها را سامان بخشید. اردشیر پادشاه ساسانی به همین‌گونه برای گردآوری نسکهای دانشی گروهی را به سرزمین روم و هند فرستاد تا آن نسکها را گردآوری کنند. این ندیم مینویسد: «اردشیر برای گردآوری کتاب از هند و روم و بقایای آثاری که در عراق مانده بود، کسانی را بدان ناحیه‌ها فرستاد و آز آنها هر چه را متفرق بود گرد آورد و آنچه را متباين بود تالیف کرد.» پرسش شاپور اول نیز کار پدر را دنبال کرد و دسته‌ای از آن نسکها را از یونانی به پهلوی برگرداند. این پادشاه گروهی از پزشکان یونانی را برای آموزش پزشکی به ایران آورد.

پس از جنگ بین ایران و روم، و پیروزی شاپور اول بر [والرین](#) امپراتور روم و گرفتن انتاکیه، شاپور گروهی از اسیران رومی را بر آن داشت تا شهری در در نزدیکی شوشتار کنونی در خوزستان بسازند. نام این شهر «**گندشاه پوهر**» یا «**واندوشا پوهر**» (ve – Andew – Shapohr) به چم «شاپور به از انتاکیه» است. که پس از آن یکی از مراکز بزرگ پزشکی بیش از اسلام گردید.

به امر شاپور اول نسکهای از زبانهای دیگر به پهلوی برگردانده شد و گروهی از پزشکان ایرانی، هندی و یونانی به آموزش در این مرکز علمی سرگرم شدند.

فردوسي درباره گشودن انتاکیه گويد:

که با یپل و لشگر برآمد ز راه  
دلیران رومی و کند آوران  
بدان تا نباده به بیداد جنگ  
سواری ندیدند جنگی ز روم  
بسوی مذاین فرستاد شاه  
همی تازه شد پیر گشته جوان  
که انتاکیه است این اگر نو بهار  
ز مشک اندر و خاک و ز زر خشت

به انتاکیه در خبر شد ز شاه  
سپاهی بدان شهر بدیگران  
سه روز اندران شاه شد درنگ  
گشاده شد آن مرز آباد بوم  
اسیران و آن گنج قیصر ز راه  
زبس باغ و میدان و آب روان  
چنین گفت با موبدان شهریار  
کسی کو ندیدست خرم بهشت

از رویدادهای مهم دوران شاپور اول بیرون آمدن مانی و پیامبری او بود که آیین و کیش یا روش نو آورد. گروهی نیز به وی گرویدند. مانی از دانش پزشکی بی بهره نبود، مشهور است که شاپور درمان فرزندش را که بیمار بود از وی درخواست کرد، اما کودک در آغوش پدر جان سپرد.

پزشکی و شاخه‌های آن در دوره ساسانیان

در کتاب بندesh کوتاه شده ای از دانشهاي طبیعی و ستاره شناسی به شیوه ای که از اوستای دوران ساسانی به دست آمده این مطلب آورده شده است، دیگر آن که در **معجم البلدان**، **یاقوت حموی** آمده که در دوران ساسانیان در ریشهر(ریواردشیر) از بخشهاي ارجان، گروهي از نويسنديگان بوده اند که به ياري خط مرموزي موسوم به **گشتگ** دانشهاي پزشكى و ستاره شناسى و فلسفه را بر جاي گذاشته اند و آنان را **Gashstag** دفتران می خوانده اند.

در **هوسپارم نسک Hnpatam Nask** از نسکهاي از دست رفته دوره ساسانی درباره پزشكى گوشه هايي به جاي مانده است. برای نمونه از دو گونه بيماري يكی از بيماري واگير و دیگري بيماري عادي گفتگو شده است. نخستين گروه تلفات زيدی می داده، ولی گروه دومی تفاوتی مانند نخستین نداشته است.

فردوسي در شاهنامه از قول بروزويه می فرماید:

سر دردمدان بدو گفت چيست بدو گفت آنکس که افزوون خورد نباشد فراوان خوش تدرست	که بر درد آنکس که باید گریست چو بر خوان نشیند خورش نشمرد بزرگ آنکه از تدرستی بجست
--	---

در دينکرد آمده است که تدرستی بر دو گونه است نخست درستی تن و دوم درستی جان و پزشك را دو گونه شمرده است پزشك روحاني و پزشك جسماني.

از نسکها و نوشتارهاي پزشكى که از دوران ساسانیان بجاي مانده است پزشكى به دو گونه انجام می گرفته است. نخست پزشكى جسماني و سپس پزشكى روحاني، منtra.

درمان بيماريها با آنکه در پزشكى ايران باستان چنانکه از نسکهاي آن دوران بدست ميايد به سه يا پنج گونه انجام می گرفته است، اما در پزشكى بقراطى سه گونه بوده است: دارو و لوازم جراحى(آهن) و آتش(داعر کردن) و اين امر پس از رخنه پزشكى بقراطى در پزشكى ايراني در کشور ما بسیار رایج گردیده، منتهی درمان با منтра نيز بسیار معمولی بوده و رخنه خود را از دست نداده است.

## گیاه درمانی و موارد دارویی و خوراکی

در دوران ساسانیان که پزشكى در آن دوران درخشنان تر از دوران پیش از خود بوده، افزون بر دانشهاي پيشين دانستني هاي بيشتری نيز بدان افزوده گردیده است.

چنين بر ميايد که در دوران ساسانیان برسیهای بیشتری درباره گیاهان انجام گرفته است و برای آزمایش گیاهان **برزویه پزشك** به هندوستان رفته است و پژوهش های گرانقدری انجام داده است.

در تاق بستان نقش درختی که شاخه هايش بر ستون پيچیده شده است و برگهاي آن مانند برگ کنگر و در بالاي آن به گل بسیار قشنگی ختم می گردد دیده می شود، چنين بر ميايد که اين گیاهان همان **گوگن** باشد(يشتها ج 1 پورداود).

## درمان با نباتات

شماره زيادي از نباتات برای درمان در آن دوران بوده که برخی از آنها را تا هفتاد شمار کرده اند.

همچنين از نباتات زهردار نيز سخن به ميان آمده است، که در پزشكى از آنها سود برده ميشده.

در در تاق بستان نقش درختی دیده میشود که ممکن است همان درخت **Vun-I. Yudh-lesh** که درمان کننده هر بیماری در آن دوران بشمار می رفته باشد.

از ادویه و مواد خوارکی که در دوران ساسانیان بویژه در دستگاه شاهانه، چه از برای دارو و چه موارد دیگر؛ بهرمند میشده اند میتوان اینها را نام برد:

شکر، (نی شکر که در خوزستان این درخت کشت میشده است)، زنجبل **Gimgem re** ، زعفران (این زعفران از ناحیه قم و بوان بوده است)، گلاب، شاهسپرم (**Basilie romain**) بنفشه، نیلوفر، بالای معطر، نرگس، گل سرخ، خیری **Vesicuria gnaphaloide** ، ترنج، فلفل، عود **Bois d'Aloes** ، شراب، انار و آب انار، نمک، عسل، شاهدانه، زیتون، بادام، گردو، جو (برای اسبان و چارپایان)، گونه های چربی ها، هل، نارگیل، پسته، عدس، سرکه، اسپند، خرما، (از حیره)، خردل، انقوزه، گوگرد، ترنجبین **Alkagi** ، **Mannede Heydyaruuum** ، **Indi go** ، **Gomme Azur Bleu Colialt** ، **Sel d'ammonniaque** ، نیل و مواد خوشبو مانند عنبر اشهب و مشگ و کافور و صندل (این چهار ماده آخری بیشتر در کاخهای خسرو پرویز سوزانده میشده که کاخها را خوشبو سازد)، کندر **Encens Darjeen Cannelle** اخته، بلسان (بلسان مکی یا **Baume ou Mecque** ) ، لادن **Laudanum** ، مرکلی **Myrrke** که برای درمان رخمهای بسیار بکار می رفته است، مورد **poaiau** ، تره (گندنا) **nnysthe** ، کاسنی (هندباء) **chi coree** ، موم و سیر.

در دوران ساسانیان در داشکده پزشکی و بیمارستان گندیشاپور فزون بر پژوهش های پزشکی، درباره گیاهان نیز پژوهش هایی انجام میگرفته است و مسافت **بروزیه پزشک** به هندوستان از سوی انشیروان در پی پیدا کردن گیاههای پادزهای **پادزهای** بوده است.

فردوسی در این باره گوید:

بیاورد با خویشتن آن گروه  
همی زهر بشناخت از پادزهای  
بیفکند از آن هر چه بیکار بود  
بیامیخت دارو چنان چون سرید

پزشک پژوهنده آمد بکوه  
زدانایی او را فزون بود مهر  
گیاهان کوهی فراوان درود  
از آن پاک تریاق ها برگزید

میگویند در بیماری سخت دختر ملکه چین که پزشکان چینی از درمان آن درمانده شده بودند، پزشک ایرانی **خرداد برزین** (در دوران خسروپرویز) به چین رفت و بیماری او را پارشناسی کرد و برای تندی تپش قلب وی، **کاسنی** و آب آنار و تره سفارش نمود. (برگ 386 شعر فردوسی)

باید دانست رابطه ای که بین ایران و چین که در دوران قباد پادشاه ساسانی برقرار گردید، موجب شد، که از داروهای ایرانی به سرزمین خاقان و از آنسوی کالاهایی از آن سرزمین به کشور ما بیاید و این برای پزشکی ایران در دوران ساسانیان بی بهره نبوده است.

## دامپزشکی

در هوسپارم نسک از درمان حیوانات اهلی و سگ هار آمده است. همچنین ستور پزشک (دامپزشک) در دستگاه نظامی ساسانیان جایگاه ارجمند داشت، وی به وسیله گیاهان حیوانات را درمان می کرد.

## آموزش و پرورش و آموختن دانش پزشکی در دوران ساسانیان

درباره آموزش و پرورش کودکان و جوانان دانستنی هایی در دست است، که تا اندازه ای دقیق میباشد. دسته ای از نجیب زادگان مانند دوران هخامنشی در دربار با جوانان خانواده شاهی به آموختن دانشها گوناگون میپرداختند. اینان خواندن و نوشتن و حساب و چوگان بازی و سواری و شکار و شترنج می آموختند.

« منابع تاریخی که داریم، اطلاعی دربار تعالیم دختران بدست نمیدهد، بارتلمه (زن در حقوق ساسانی برگ 8) چنین حدس میزند، که تعلیم دختران بیشتر مربوط به اصول خانه داری بوده است. بعلاوه بغ نسک (دینکرد، کتاب نهم، فصل 67، بخش 9) صریحا از تعلیمات زن در فن خانه داری بحث میکند. معذالک زنان خانواده های ممتاز گاهی تعلیمات بسیار عمیق در علوم تحصیل میکرده اند و این مطلب از یک عبارت کتاب « ماذیگان ای هزار دادستان » بدست میاید و آن اینست: یکی از قضاط در موقعی که بمحکمه میرفت، پنج زن او را احاطه کردند، و یکی از آنها سوالاتی از نمود راجع ببعضی از موارد مخصوصه از باب گرو و ضمانت. همینکه باخرین سوال رسید، قاضی جوابی نداشت. آنگاه یکی از زنان گفت: « ای استاد، مغزت را از این بابت خسته مکن، و بی تعارف بگو: نمیدانم. بعلاوه ما خود جواب آن را در شرحی، که مگوگان اندرزبد نوشته است است، خواهیم یافت. » (ایران در زمان تاریخ ساسانیان - کریستن سن)

همچنین وجود زنانی مانند گردویه، آزمیدخت و پوراندخت نشانگر این است که آموزشها زنان تنها در خانه داری نبوده است.

## بخش بندی، ویژگی ها و دستمزد پزشکان

چنانکه میدانیم در دوران ساسانیان همانند دوران هخامنشیان مردم به گروه های گوناگون بخش بندی شده بودند، روحانیون و لشگریان و دبیران و کارمندان کشوری و بزرگان. پزشکان بخشی از کارکنان کشوری بودند. جایگاه پزشکان در سلسه های ایرانی به دو درجه بود، اول درستبز (یا دروایستوت) که پزشکان درجه اول بودند که پیشگیری از بیماریها و تدرستی همگانی مردم به گردن آنها بود. میتوان درستبز را با مدیر عامل بهداری استانها و شهرستانهای امروزی همسان کرد.

دسته دوم پزشکان عادی و معمولی که همان پزشکان درمانگر بودند و از نگر جایگاه و درجه پایین تر از نخستین دسته قرار داشتند و بجز دو دسته بالا ریس کل پزشکان وجود داشته که او را « ایران درستبز » میخوانند که میتوان به وی نام امروزی وزیر بهداری را داد.

از سویی ریس کل پزشکان جسمانی و روحی را زرتشترونوم Zarathush treotum می خوانند که این را به موبدان موبد هم میگفتند.

بجز دسته های بالا در هوسپارم نسک در میان پزشکان کارآزموده نام چشم پزشک نیز آورده شده است.

پزشکان چنانکه در پزشکی هخامنشیان آمد، به چند دسته بخش میشده اند:

- 1- دسته اول پزشکان و شفادهندگان روحانی (روانی) بودند که برتر از تمام پزشکان بشمار میرفتند.
- 2- دسته دوم آنان که با گیاهان درمان میکردند (گیاه پزشک) و نگهداران آتش یا آذریان که همگی به درمان بیماریها می پرداختند. اینان خود به دو دسته بخش بندی می شدند: گروه نخست همان درستبز یا ریس بزرگ بهداشت بوده که کارشان از میان بردن دلیل بیماریهای همگانی بود، و گروه دیگر که پس از پخش شدن بیماری به درمان می پرداختند و تن پزشک خوانده می شدند.

در مورد تن پزشک اندرزهایی در اوستا شده است که پیش از آغاز به پزشکی باید آنها بکار گرفته شوند.

در کتاب دینکرت پهلوی در بخش هوسپارم نسک درباره رفتار پزشک با بیمار و بیماری، پندها و دوراندیشی های سودمندی آمده است. در این کتاب دستور داده شده است که اگر پزشک به تن پروری بپردازد و در بیمارپرسی و درمان کندی کند، گناه بزرگی کرده است.

وظیفه یک پزشک با وجود آن است که اثر داروهایی را که برای بیماران سفارش می کند، روزبروز با تیز هوشی کامل مورد بررسی قرار دهد و آنرا عوض کند و داروهایی که دارای ویژگی بهتری باشند به جای داروهای پیشین سفارش نماید.

بر پزشک بوده که از ناتوانان روزانه در زمان معین بازدید کند و در درمان آنان نهایت تلاش خود را بکار گیرد و با بیماری چنان در مبارزه افتاد، که گویی با دشمن خود پنجه نرم میکند.

در ایران باستان به ویژگی هایی که پزشک باید دارا باشد بسیار اهمیت میداند. چون پزشکان تا اندازه ای از گروه اشراف زادگان و مردمان شریف بوده اند، می بایستی به آموزشاهای بنیادی دست میزدند و در آخر فردی پرگزیده میشد که جستارهای پزشکی را بخوبی آموخته باشد و در کار خود ماهر و با بیمار با آرامی و شکیبایی رفتار کند و تلاش کند بیمار را از روی و جدان درمان کند. افزون بر آن پزشک باید شیرین زبان و ملایم و مهربان و به کار خود افتخار کند، و از ادامه بیماری از روی آزمندی مال و اندوختن خودداری کند. پزشک باید خداترس بوده و تنها هدفش درمان بیماری باشد و بس. از آن گذشته پزشک اگر برای درمان و دستمزد خدمت میکند، می بایستی نخستین را بر دومی افزونی دهد.

اما آنکس که آزمند و بی مهر است و برای کار پزشکی ارجی نگذارد، پست ترین فرد از نگر جایگاه پزشکی میباشد.

گذشته از آن درباره ویژگی های پزشک آمده است که فزون بر آگاهی گسترده از بیماریها، درباره اندام و بندهای بدن آگاهی فراوان داشته باشد، به بیماران خوبی کند و در برابر آنان شکیبا و خوشفتار باشند. درباره پزشک آمده است که باید با هوش و استعداد بوده تا بتواند بازشناسی درستی از بیماریها را بدده.

به همین‌گونه درباره پزشک درمان کننده روح و جسم هر دو بایسته است که آزمایشها مورد نیاز را با کمال مهارت انجام دهد، همانطور که در پزشکی دوران هخامنشی آورده‌یم (چنانکه در وندیداد آمده است)، اگر پزشکی سه نفر از پیروان دینهای دیگر یا بی دینان را درمان میکرد و آنان می مردند هرگز نمیتوانست به درمان دیگران بپردازد.

دیگر ویژگی های پزشک آن بود که باید به پاکی و دوراندیشی و اندیشه کردن در درمان کوشای باشد.

چنانکه گفته شد در دوران ساسانیان پروانه به پزشکان می دادند که مانند شهادتنامه و یا گواهی های امروزی بود، تا افرادی که شایسته پزشکی بودند، به درمان بپردازند.

دستمزد پزشکان در دوران ساسانیان مانند دوران هخامنشیان برقرار بوده، در یکی از بخشها از دست رفته اوستای دوران ساسانی، یعنی هوسپارم نسک در مورد دستمزد پزشکان آمده است که پزشک می توانسته خوراکی های خوب، جامه های فاخر و خوب، اسبابهای تندرو و به همین‌گونه پول بابت دستمزد درخواست کند. از آن گذشته پزشک می توانسته حتی از مردمان تهیست دستمزد بگیرد و به اندازه درمانی که درباره افرادی که انجام میداده دستمزد بگیرد، همچنین مانند دوران هخامنشی قوانینی برای گرفتن دستمزد از رئیس خانه و یا رئیس ده و یا رئیس کشور وجود داشته است.

پزشک درمانگر مجبور بود هر روز به هنگام نیاز به سرکشی بیمارش برود و بیمار باید دستمزد او پرداخت میکرد و محل و مکانی خوبی هم برای او فراهم میکرد.

در آن دوران پزشکان از نظر گرفتن دستمزد به چند دسته بخش بندی می شدند: نخست آن دسته از پزشکانی که پزشکی را تنها از روی انسانیت و یا آمرزش الهی گزیده بودند، اینان بهترین پزشکان بودند.

دوم پزشکانی که پزشکی را از روی انسانیت و آمرزش الهی و مال گزیده بودند. سوم پزشکانی که تنها به مال دنیا چشم داشتند و بس. این پزشکان پایین ترین و پست ترین دسته پزشکان بودند.

## تاریخ پزشکی در ایران در دوران خسرو اول انوشیروان ( 531 – 579 میلادی)

در دوران پادشاه خسرو اول انوشیروان، آزادی تجارت بین ایران و بیزانس و آزادی مسیحیان در کیش خود برقرار گشت. مرزهای ایران از شرق تا جیحون (مرز ایران و سرزمین خاقان ترک) و از جنوب تا یمن گسترش یافت. اما دوباره روابط ایران و روم تیره گردید و ژوستینیوس (یوستی نیانوس Justinianos) از خسرو شکست خورد و تیسفون پایتخت شاه ایران شد.

انوشیروان با سیاست بسیار دانشمندانه ای توانست آرامش را به کشور بازگرداند که در سایه این آرامش گروهی از دانشمندان را از امپراتوری روم شرقی به ایران جلب کند، فزون بر آن از کشور هند بوسیله بروزیه پزشک نسکهایی در دانش های گوناگون و نسکهای پزشکی به ایران آورد. چون انوشیروان آن تعصب برخی از شاهان دیگر ساسانی را نداشت، بدین روی پیوسته در کوشش برای جلب دانشمندان بود. از ان گذشته کارهای دیگری انجام داده شد که به پیشرفت گندیشاپور انجامید.

از نکته های که شایان نگرش است آنکه انوشیروان درباره جستارهای علمی و بررسی و کاوش در جستارهای فلسفی، به وجود آمدن جهان و جهان بی پایان و ابدی و مانند آنها بسیار کنجدکاو بود. به همین روی دستور داد تا موبدان را گرد آوردن تا در این باب گفتگو و کاوش کنند. بجز آنها اجازه داد گروهی از فلاسفه یونان که به تیسفون پناه برده بودند، نیز در این گردهمایی ها شرکت یابند. این امر می رساند که انوشیروان از دوستداران آزادی دین و اندیشه بوده است.

## مجلس کنکاش یا کنگره پزشکی

در دوران انوشیروان پزشکان و فلاسفه بسیاری در دربار به خدمت سرگرم بودند، از جمله جبرانیل پزشک گندیشاپور و بیادق پزشک و سرجیس راس العینی فیلسوف بزرگ و بروزیه پزشک. هر یک از آنان بخشی از امور پزشکی و دانشی را به گردان داشتند.

جبرانیل ریس پزشکان درباره بود. سرجیس به ترجمه نسکهای فلسفه و حکمت از یونانی به سریانی می پرداخت و بیادق پزشک به نوشتمن نسکهای پزشکی و بروزیه پزشک به ترجمه نسکهای دانشمندان هندوستان که بیشتر در اخلاق و سیاست بود سرگرم بودند.

هنگامی در گفتگوی فلسفی و پزشکی ناسازگاری بین دانشمندان و فلاسفه و پزشکان سایر کشور پیش می آمد به امر پادشاه مجلس کنکاش در دربار بوجود میامد. این مجلس کنکاش را میتوان به نام کنگره بزرگ علمی و حکمتی نامید، که بنیان گزار آن انوشیروان پادشاه ساسانی بوده است.

درباره کنگره گرفتن و کنکاش در ایران باستان بسیار آمده و انجمن ساختن از ویژگیهای تمدن ایرانی است. اما از انجمن پزشکی یا باصطلاح امروزی کنسولتاسیون پزشکی نیز در ایران باستان نام برده شده است. در شاهنامه آمده است: آنگاه که کاوس به مازندران رفت و در هنگام نبرد چشمهاش تار شد پزشکان دور هم گرد آمدند و از بازشناسی درمانند.

فردوسي گويد:

همه يك بيک داستانها زند  
مرآن درد را باز نشناختند

پزشکان فرزانه گرد آمدند  
ز هر گونه نيرنگها ساختند

رياست کنگره با جبرابيل درستبد(درستبد) بود. بجز وي یوحناي پزشك و پزشکان ديگر در اين کنگره شركت داشتند. صورت مجلس کنگره پزشکي بصورت كتابي درآمده است. (تاریخ الحكماء فقط).

### بروزيه پزشك

از پزشکان و دانشمندان نامي دوران اوشيروان، بروزيه پزشك را ميتوان نام برد که رئيس پزشکان شاهي بود. وي چنانکه گفته شد به هند رفت.

شرح حال بروزيه بدین گونه در كتاب کليله و دمنه آمده است:

« چنین گويد بروزيه پزشك مقدم(رييس) پزشکان پارس:  
كه پدر من از لشکريان بود و مادر از خاندان علماء دين زرتشت و اول نعمتي که خدai تعالي بر من تازه گردانيد، دوستي پدر و مادر بود و شفقت ايشان بر حال من، چنانکه از فرزندان ديگر مستثنی بودم و بمزيت تربیت و ترشیح (پرورش و شیردادن) مخصوص بودم. چون سال عمر به هفت رسيد مرا بر خواندن علم پزشكى تشویق و تحريک نمودند و چندانکه اندک مایه وقوف افتاد و فضیلت آنرا بشناختم بر غبته صادق و حرصي غالب در تعلم آن میکوشیدم، تا بدان صنعت شهرتی تمام یافتم و در معالجه بيماران مهندی(راهنمایي شده) شدم، آنگاه نفس خويش را ميان چهار کار که تکاپوی اهل دنيا از آن نتواند گذشت خير گردانيدم، وفور مال و لذات حال و ذكر سانتر و ثواب باقي و پوشیده نماند که علم پزشكى به نزديك همه خردمenden و در همه دنيا ستوده است و دركتب پزشكى آورده اند که فاضلترین پزشکان آنست که علاج از جهت ثواب آخرت مواظبت نماید که بملازمت آن سيرت نصیب دنيا هر چه کاملتر ببیند و رستگاري عقبی مدخل گردد، چنانکه غرض کشاورز در پراکندين تخم دانه باشد که قوت او و است اما کاه که علف ستور است خود بنتیجه حاصل آيد. درجمله بر اين کار اقبال تمام کردم و هر کجا بيماري نشان یافتم که در وي اميد صحت بود معالجه او خويشتن سابق دیدم نفس بدان مایل گشت..... »

از کارهای ديگر بروزيه پزشك، برگرداندن نسکی به نام [Panchatantra](#) از سانسکریت به پهلوی است. كتاب ديگري به نام [حکمت هندی](#)، که در 1070 ميلادي(462 هجری) بدست [شمعون انتاکی](#) از تازی به یونانی برگردانده شد را هم از بزرگويه ميدانند.

بزرگمهر (بوزرجمهر)

نام بزرگمهر در شمار نامهایی است که در تاریخ از آن به بزرگی و دانایی یاد میشود. افسانه ها و داستانهای بسیاری درباره وی گفته شده، که ممکن است بسیاری از آنها از راستی دور باشند، اما می رساند که وی نقش بسیار مهمی در تاریخ فلسفه و پژوهشی ایران باستان بازی کرده است.

شرح حال این وزیر و اثر وی بر روی پادشاهی نوشیروان و بازدهی بر روی دانش آن دوران بسیار شایان توجه است. نخست بزرگمهر توجه و مهر شاه را بخود جلب کرد و برای آموزش و پرورش فرزند انشیروان، هرمز گماشته شد. هرمز نسبت به بزرگمهر خوش رفتاری ننمود و استاد را از خود آزده، اما سپس از کرده خود پشمیمان شد و جایگاه بزرگمهر بالا گرفت، تا آنکه به وزارت رسید و در امور کشوری با شایستگی بسیار به شاه خدمت نمود.

از داستانهای مشهور بزرگمهر پاسخی است به این پرسش در پیشگاه انشیروان داده است:  
که بزرگترین بدیختی چیست؟

فیلسوف یونانی گفت پیری و کوادنی که با تنگدستی و نداری با هم باشد، دانشمند هندی گفت بیماری های جسمی که با دردهای روحی فزون گردد، بزرگمهر گفت که آدمی ببیند که عمرش در حال به پایان رسیدن است و کار نیکی نکرده باشد، **این بدترین بدیختی هاست**. این پاسخ در پیش خسرو بسیار پسندیده آمد و مقام و ارج بزرگمهر در برابر دانشمندان و فیلسوفهای خارجی نمایان شد.

سیمون انتاکی که در حدود سال 1070 میلادی کتابی از عربی به یونانی ترجمه کرده است و درباره فلسفه یونان می باشد، آنرا از بزرگمهر میداند) تاریخ پژوهشی دکتر الگود برگ (53).

«**یادگار بزرگمهر**» نام یکی از پنداشمهای پهلوی است نویسنده آنرا بزرگمهر میداند.

□ [بیمارستان و دانشگاه پژوهشی گند یشاپور](#)

گردآورنده:  
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi>